

● روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی صاحب امتیاز: ● سال پانزدهم ۱۰ مهر ۱۴۰۲ ۱۶ ربیع‌الاول ۱۴۴۵ شماره ۴۰۴۷

● نشر د بیبر: سید سجاده طلوع هاشمی ● نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵ دفتر مرکزی: ۳۷۲۸۸۸۱۱ - ۵

● نامبر: ۳۷۲۸۸۸۱۱ ● روابط عمومی: ۳۷۲۴۴۳۱۰ ● شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

● میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

● ۲۴٪ رطوبت هوا ۱۵°↑ ۲۹° ۱۸ صبح ۲۶ ظهر ۲۵ عصر ۲۰ شب

● اذان ظهر ۱۲:۴۰:۵۷ ● نیمه شب شرعی ۲۲:۳۸:۵۹ ● غروب آفتاب ۱۷:۱۴:۳۳ ● اذان صبح فردا ۰۴:۰۴:۱۵ ● اذان مغرب ۱۷:۳۴:۴۶ ● طلوع آفتاب فردا ۰۵:۲۸:۱۰

● اوقات شرعی مشهد

● اوقات شرعی مشهد

● روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی صاحب امتیاز: ● سال پانزدهم ۱۰ مهر ۱۴۰۲ ۱۶ ربیع‌الاول ۱۴۴۵ شماره ۴۰۴۷

● نشر د بیبر: سید سجاده طلوع هاشمی ● نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵ دفتر مرکزی: ۳۷۲۸۸۸۱۱ - ۵

● نامبر: ۳۷۲۸۸۸۱۱ ● روابط عمومی: ۳۷۲۴۴۳۱۰ ● شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

● میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

● ۲۴٪ رطوبت هوا ۱۵°↑ ۲۹° ۱۸ صبح ۲۶ ظهر ۲۵ عصر ۲۰ شب

● اذان ظهر ۱۲:۴۰:۵۷ ● نیمه شب شرعی ۲۲:۳۸:۵۹ ● غروب آفتاب ۱۷:۱۴:۳۳ ● اذان صبح فردا ۰۴:۰۴:۱۵ ● اذان مغرب ۱۷:۳۴:۴۶ ● طلوع آفتاب فردا ۰۵:۲۸:۱۰

● اوقات شرعی مشهد

● اوقات شرعی مشهد

● روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی صاحب امتیاز: ● سال پانزدهم ۱۰ مهر ۱۴۰۲ ۱۶ ربیع‌الاول ۱۴۴۵ شماره ۴۰۴۷

● نشر د بیبر: سید سجاده طلوع هاشمی ● نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵ دفتر مرکزی: ۳۷۲۸۸۸۱۱ - ۵

● نامبر: ۳۷۲۸۸۸۱۱ ● روابط عمومی: ۳۷۲۴۴۳۱۰ ● شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

● میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

● ۲۴٪ رطوبت هوا ۱۵°↑ ۲۹° ۱۸ صبح ۲۶ ظهر ۲۵ عصر ۲۰ شب

● اذان ظهر ۱۲:۴۰:۵۷ ● نیمه شب شرعی ۲۲:۳۸:۵۹ ● غروب آفتاب ۱۷:۱۴:۳۳ ● اذان صبح فردا ۰۴:۰۴:۱۵ ● اذان مغرب ۱۷:۳۴:۴۶ ● طلوع آفتاب فردا ۰۵:۲۸:۱۰

● اوقات شرعی مشهد

● اوقات شرعی مشهد

● روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی صاحب امتیاز: ● سال پانزدهم ۱۰ مهر ۱۴۰۲ ۱۶ ربیع‌الاول ۱۴۴۵ شماره ۴۰۴۷

● نشر د بیبر: سید سجاده طلوع هاشمی ● نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵ دفتر مرکزی: ۳۷۲۸۸۸۱۱ - ۵

● نامبر: ۳۷۲۸۸۸۱۱ ● روابط عمومی: ۳۷۲۴۴۳۱۰ ● شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

● میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

● ۲۴٪ رطوبت هوا ۱۵°↑ ۲۹° ۱۸ صبح ۲۶ ظهر ۲۵ عصر ۲۰ شب

● اذان ظهر ۱۲:۴۰:۵۷ ● نیمه شب شرعی ۲۲:۳۸:۵۹ ● غروب آفتاب ۱۷:۱۴:۳۳ ● اذان صبح فردا ۰۴:۰۴:۱۵ ● اذان مغرب ۱۷:۳۴:۴۶ ● طلوع آفتاب فردا ۰۵:۲۸:۱۰

● اوقات شرعی مشهد

● اوقات شرعی مشهد

● روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی صاحب امتیاز: ● سال پانزدهم ۱۰ مهر ۱۴۰۲ ۱۶ ربیع‌الاول ۱۴۴۵ شماره ۴۰۴۷

● نشر د بیبر: سید سجاده طلوع هاشمی ● نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵ دفتر مرکزی: ۳۷۲۸۸۸۱۱ - ۵

● نامبر: ۳۷۲۸۸۸۱۱ ● روابط عمومی: ۳۷۲۴۴۳۱۰ ● شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

● میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

● ۲۴٪ رطوبت هوا ۱۵°↑ ۲۹° ۱۸ صبح ۲۶ ظهر ۲۵ عصر ۲۰ شب

● اذان ظهر ۱۲:۴۰:۵۷ ● نیمه شب شرعی ۲۲:۳۸:۵۹ ● غروب آفتاب ۱۷:۱۴:۳۳ ● اذان صبح فردا ۰۴:۰۴:۱۵ ● اذان مغرب ۱۷:۳۴:۴۶ ● طلوع آفتاب فردا ۰۵:۲۸:۱۰

● اوقات شرعی مشهد

● اوقات شرعی مشهد

● روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی صاحب امتیاز: ● سال پانزدهم ۱۰ مهر ۱۴۰۲ ۱۶ ربیع‌الاول ۱۴۴۵ شماره ۴۰۴۷

● نشر د بیبر: سید سجاده طلوع هاشمی ● نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵ دفتر مرکزی: ۳۷۲۸۸۸۱۱ - ۵

● نامبر: ۳۷۲۸۸۸۱۱ ● روابط عمومی: ۳۷۲۴۴۳۱۰ ● شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

● میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

● ۲۴٪ رطوبت هوا ۱۵°↑ ۲۹° ۱۸ صبح ۲۶ ظهر ۲۵ عصر ۲۰ شب

● اذان ظهر ۱۲:۴۰:۵۷ ● نیمه شب شرعی ۲۲:۳۸:۵۹ ● غروب آفتاب ۱۷:۱۴:۳۳ ● اذان صبح فردا ۰۴:۰۴:۱۵ ● اذان مغرب ۱۷:۳۴:۴۶ ● طلوع آفتاب فردا ۰۵:۲۸:۱۰

● اوقات شرعی مشهد

● اوقات شرعی مشهد

● روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی صاحب امتیاز: ● سال پانزدهم ۱۰ مهر ۱۴۰۲ ۱۶ ربیع‌الاول ۱۴۴۵ شماره ۴۰۴۷

● نشر د بیبر: سید سجاده طلوع هاشمی ● نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵ دفتر مرکزی: ۳۷۲۸۸۸۱۱ - ۵

● نامبر: ۳۷۲۸۸۸۱۱ ● روابط عمومی: ۳۷۲۴۴۳۱۰ ● شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

● میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

● ۲۴٪ رطوبت هوا ۱۵°↑ ۲۹° ۱۸ صبح ۲۶ ظهر ۲۵ عصر ۲۰ شب

● اذان ظهر ۱۲:۴۰:۵۷ ● نیمه شب شرعی ۲۲:۳۸:۵۹ ● غروب آفتاب ۱۷:۱۴:۳۳ ● اذان صبح فردا ۰۴:۰۴:۱۵ ● اذان مغرب ۱۷:۳۴:۴۶ ● طلوع آفتاب فردا ۰۵:۲۸:۱۰

● اوقات شرعی مشهد

● اوقات شرعی مشهد

● روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی صاحب امتیاز: ● سال پانزدهم ۱۰ مهر ۱۴۰۲ ۱۶ ربیع‌الاول ۱۴۴۵ شماره ۴۰۴۷

● نشر د بیبر: سید سجاده طلوع هاشمی ● نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵ دفتر مرکزی: ۳۷۲۸۸۸۱۱ - ۵

● نامبر: ۳۷۲۸۸۸۱۱ ● روابط عمومی: ۳۷۲۴۴۳۱۰ ● شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

● میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

● ۲۴٪ رطوبت هوا ۱۵°↑ ۲۹° ۱۸ صبح ۲۶ ظهر ۲۵ عصر ۲۰ شب

● اذان ظهر ۱۲:۴۰:۵۷ ● نیمه شب شرعی ۲۲:۳۸:۵۹ ● غروب آفتاب ۱۷:۱۴:۳۳ ● اذان صبح فردا ۰۴:۰۴:۱۵ ● اذان مغرب ۱۷:۳۴:۴۶ ● طلوع آفتاب فردا ۰۵:۲۸:۱۰

● اوقات شرعی مشهد

● اوقات شرعی مشهد

اول شخص

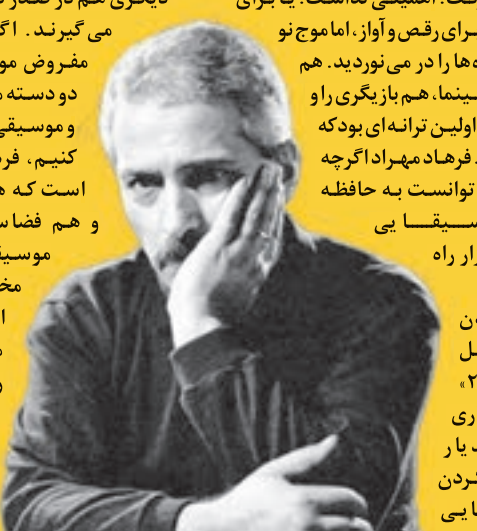
در تنگ پرتبرک آن نازنین عبا

یادی از فرهاد مهرداد و ترانه مشهورش، «وحدت» به مناسبت میلاد پیامبر اعظم(ص)



فرهاد مهرداد

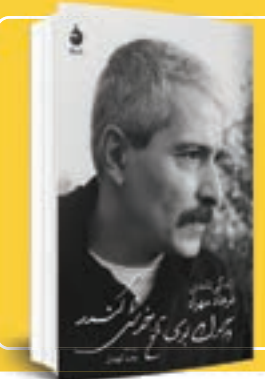
همچون کیمیایی و امیر نادری پا در مسیری گذاشت که تا امروز کسی نتوانسته به او نزدیک شود. فرهاد اگر در دوره‌های مختلف به انزوای ناخواسته و خودخواسته نمی‌رفت قطعاً امروز می‌توانستیم او را کامل‌تر قضاوت کنیم. فرهاد و صدای جاودانه‌اش در دسته‌بندی دیگری هم در صدر فهرست قرار می‌گیرند. اگر به صورت مفرض موسیقی را به دو دسته موسیقی سرگرم‌کننده و موسیقی دغدغه‌مند تقسیم کنیم، فرهاد جزو صداهایی است که هم در انتخاب شعر و هم فضا سازی موسیقی بی‌موسیقی را برای سرگرمی مخاطب در نظر ندارد. او می‌خواهد دغدغه مردم را بدون اداهای روشن فکری برای خودشان بخواند و این رمز ماندگاری فرهاد است. ردابده طاهری در



فرهاد مهرداد، انگار دلش نمی‌خواست صدایش را صاف کند. خش‌دار بود و گرفته. و با آنچه می‌خواند هم‌ساز بود. با آن ترانه‌های اعتراضی که از موسیقی فیلم «رضا موتوری» با عنوان «مرد تنها» شروع شد. بعدش هرچه خواند با آن موسیقی‌های دهه چهل و پنجاه زمین تا آسمان فرق می‌کرد. کسی تا قبل از آن موسیقی فیلم را تحویل نمی‌گرفت. اهمیتی نداشت. با برای سرگرمی بود یا برای رقص و آواز، اما موج نو داشت تمام حوزه‌ها را در می‌نوردید. هم ادبیات را، هم سینما، هم بازیگری و او همه چیز را. این اولین ترانه‌ای بود که او را مشهور کرد. فرهاد مهرداد اگرچه کم‌کار بود، اما توانست به حافظه جمعی موسیقی مردم کوچه و بازار راه پیدا کند. او با خواندن کارهایی مثل «شبانه ۲ و ۱» «جمعه» و همکاری با اسفندیار منفردزاده و کارکردن با کارگردان‌هایی

معرفی کتاب «زندگی نامه فرهاد مهرداد»

و پراز جزئیات ناب است. نویسنده در مقدمه این کتاب می‌نویسد: فرهاد این کتاب در مقام یک انسان معرفی می‌شود. اگر با او به شکلی آشنا شده‌اید، کارهایش را شنیده‌اید یا یک‌بار از کنار شمارد شده‌و به شما لیخند زده است یا حتی اگر از نوع لباس پوشیدنش خوشتان آمده یا طرح جلد کاست، خواب در بیداری، رادیده‌اید و به طراحش علاقه‌مند شده‌اید و حالا می‌خواهید بدانید منش او چه بوده، چگونه زندگی می‌کرده، چه چیزهایی



اگر او را آزاده یا خوشحال می‌کرده، این‌ها برایتان جالب است. شاید این کتاب به شما کمک کند، البته انتظار نداشته باشید او را خوب بشناسید. چه‌بسا سردرگم‌تر از قبل شوید. زیرا فرهاد قصه‌ای بی‌انتهاست.

شوخى بی‌شوخى

وجدان بیدار



مجتهدی

وقتی مرد وارد خانه شد دید همسرش سفره را پهن کرده و منتظرش است. او گفت: اصلاً نمی‌تونم لب به غذا بزنم. منظره‌ای دیدم که اشتهام کور شد. زن گفت: مگه چی شده بود؟ تو قضایبی همان‌طور که داشتم پول خریدها رو حساب می‌کردم دیدم یک نفر اومد گفت: اندازه ۱۰ هزار تومن بهم گوشت چرخ کرده بدین. طاقت نداشتم این منظره رو ببینم و نفهمیدم بهش گوشت دادن یا نه. ولی آخه گوشت به این گرونی، ۱۰ هزار تومن گوشت چیزی نمیشه. اصلاً میشه اندازه ۱۰ هزار تومن گوشت روی ترازو کشید؟ زن گفت: حالا فکر نکن. بیا سر سفره ناهارت رو بخور. واقعا خوش به حال همون کسانی که وجدان ندارند، راحت این چیزها رو می‌بینن و باز هم بی‌تفاوت‌اند. من از گُلوم پایین نمیره. برای اینکه اسراف نشه فقط همین ته‌دیگش رومی‌خورم. شاید تا یکی دو هفته نتونم چیزی بخورم. بعد از خوردن ته‌دیگ گفتیم: البته شما زحمت کشیدی و غذا درست کردی زشته من از تمام دست‌پخت شما فقط ته‌دیگش رو بخورم. فقط در حد یک کفگیر برام بریز. سپس از سر سفره بلند شد و به سمت یخچال رفت و با یک نوشابه خانواده برگشت و گفت: چون همین‌طوری پایین نمیره، باید نوشابه هم کنارش باشه. چند بار بشاقش پر و خالی شد و آخرین جرعه بطری نوشابه نوشیده شد. مرد همان کنار سفره دراز کشید و گفت: این‌قدر منظره امروز روی من تأثیر

استوری گرام

حکایت باز شکاری و مرغ تپل



آبهر

یک سوت بزنند می‌آید و روی دستشان می‌نشیند. مرغ گفت: به نکته خوبی اشاره کردی. اما می‌دانی به خاطر چیست؟ باز گفت: به خاطر چیست؟ مرغ گفت: به خاطر آن است که تو هیچ‌وقت یک باز شکاری درسته را در حالی که سیخ از داخلش رد شده و بر روی آتش کباب می‌شود، یا قطعات یک باز شکاری را در حالی که داخل پودر سوخاری غلتیده و در روغن داغ جلز و ولزمی‌کند، ندیده‌ای. اگر دیده‌بودی، بدتر از من که پال پرواز ندارم فقط می‌توانم دیوار به دیوار ببرم، کوه به کوه می‌پریدی و از دست ایشان فرار می‌کردی. باز گفت: شاید حق با تو باشد. مرغ گفت: اما با این حال من بی‌وفا نیستم. من در ازای آب و دانه‌ای که می‌خورم برای آدم‌ها شکار می‌کنم. باز گفت: شکار؟ تو چی شکار می‌کنی؟ مرغ گفت: باز. باز به خنده افتاد و به مدت سه دقیقه خندید. مرغ گفت: خنده‌ات تمام شد؟ باز گفت: بلی. مرغ گفت: حالا بالای سرت را نگاه کن. باز بالای سرش را نگاه کرد و فانس بزرگی را دید که بالای سرشان کشیده شده است. گفت: این چیست؟ مرغ گفت: تو در قفس شکارچیان پرنده‌های شکاری گرفتار شده‌ای. وی ادامه داد: بلی. من طعمه‌ای بودم برای اینکه مرا ببینی و پایین بیایی و آدم‌ها تو را شکار کنند و به شیوخ پول دار عرب بفروشند. حالا تومی‌توانی با و فایی خود را ثابت کنی و هروقت سوت زدند روی دست آن‌ها بنشینی. بدین ترتیب باز نخست ضایع و سپس تسلیم سرنوشت شوم خود شد.

در روزگاران نه چندان قدیم در نواحی مرکزی، یک باز شکاری زندگی می‌کرد که هر روز در طلب طعمه پر و بال می‌آراست تا جانوری را شکار و با آن شکم خود را سیر کند. روزی از روزها باز شکاری هرچه پروبال آراست و در دشت و بیابان چشم چرخاند، طعمه‌ای برای شکار پیدا نکرد. از این‌رو، بر خلاف توصیه پیشینیانش مبنی بر اینکه به محل سکونت آدمیان نزدیک نشود، به محل سکونت آدمیان نزدیک شد تا مرغی، خروسی، گربه‌ای چیزی شکار کند. ناگهان چشمش به مرغ تپلی افتاد که در وسط یک زمین بایر برای خودش مشغول دانه برچیدن بود. بلافاصله تیک‌آف کرد و وقتی بالای سر مرغ رسید شیرجه رفت تا مرغ را شکار کند، اما همین که به بالای سر مرغ رسید، مرغ گفت: دست نگه دار. باز به سختی خودش را کنترل کرد و گفت: برای چی؟ می‌خواهم بخورمت. مرغ گفت: مگر من چه گناهی کرده‌ام؟ باز گفت: البته من به خاطر گناهان تو نیست که می‌خواهم تو را بخورم، به خاطر این است که گشته‌ام. اما اگر بحث گناه هم باشد، گناه تو این است که بی‌وفایی. مرغ گفت: بی‌وفا؟ من کجا بی‌وفایی کردم؟ باز گفت: آدم‌ها برای مرغ‌ها آب و دانه و جای خواب فراهم می‌کنند، اما هرگاه می‌خواهند او را بگیرند فرار می‌کند و از این دیوار به آن دیوار می‌پرد و آن‌ها را زابراه می‌کند. اما باز با اینکه پرنده شکاری است هرگاه دو لقمه از دست آدم‌ها بخورد، هروقت که بخوانند برایشان شکار می‌کند و هر جا که رفته باشد



عکس روز

بساط‌پسته پهن است

پسته، یکی از پرطرف‌دارترین و گران قیمت ترین میوه های مناطق گرمسیری، خاستگاهش ایران است. قدیمی ترین اثری که از تاریخچه پسته در جهان به دست آمده نیز، قطعه چوب نیمه سوخته‌ای است مربوط به عصر حجر که در استان فارس پیدا شده و هم‌اکنون در موزه پارس شیراز نگهداری می‌شود. کلمه لاتین pistacia از اسم آن در زبان فارسی piste یا peste مشتق شده است و بسیاری از مردم اروپا برای نخستین بار طعم این میوه را در ایران چشیده‌اند. این عکس مربوط به کشت پسته در استان کرمان است که در بیشتر شهرستان های آن از رفسنجان و زرنده و شهرابک گرفته تا سیرجان و زنگی آباد و بخش های کوچک‌تر، این محصول کشت، برداشت و به شهرها و کشورهای دیگر صادر می‌شود. همچنین در جنوب خراسان پسته فیض آباد، بشرویه و فردوس از کیفیت بالایی برخوردار است. برای مشاهده گزارش تصویری کد را اسکن کنید. عکس: ایستا

